

پای صحبت محمدرضا رفائی زوارزاده، تهیه کننده و کارگردان پیش کسوت مشهدی صداوسیمای مرکز خراسان رضوی

در شهرستان‌ها به سریال‌سازی بهانمی‌دهند

الهام‌ظریفیان

گفت و گو ویژه

محمدرضا رفائی زوارزاده کارگردان، تهیه‌کننده و تدوینگر پیش‌کسوت مشهدی است که او را بیشتر با سریال‌هایی مانند «کوی خاوران» و «فصل شکیبایی» که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در صداوسیمای مرکز خراسان ساخته است می‌شناسیم. زوارزاده از آن هنرمندانی است که وقتی پای حرفش می‌نشیني، اصلا متوجه گذر زمان نمی‌شوی؛ از آن‌هایی که همیشه قصه‌هایی برای تعریف کردن در آستینشان دارند. او متولد ۱۳۳۶ است و سال ۸۶ خ صداوسیمای مرکز خراسان‌رضوی بازنشسته شده و حالا مشغول تحقیق و نوشتن کتابی درباره برادر شهیدش است که در حادثه ۱۰ دی سال ۵۶ مشهد به شهادت رسید. با او درباره تجربیاتش در سریال‌سازی در صداوسیما و ضرورت پرداختن به چهره‌های هویتی خراسان گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

● با اینکه شما را به عنوان فیلم‌سازی می‌شناسند که در تلویزیون سریال ساخته‌است اما فعالیتتان را با تئاتر آغاز کردید.

خیلی به تئاتر علاقه‌مند بودم و از هشت‌سالگی تا سال ۵۹ هم تئاتر کار می‌کردم. اولین تئاترم در مشهد را به نام «زاویه» از روی نمایشنامه زاویه غلامحسین ساعدی کار کردم که ۱۰ روز در تالار هلال احمر و ۱۰ روز هم در شیروان اجرا شد. اما از سال ۵۹ به بعد دیگر تئاتر کار نکردم و آن را کنار گذاشتم.

● دلایلش چه بود؟

به‌خاطر فضای سیاسی‌ای بود که سال ۶۰ به‌وجودآمده بود و گروه‌های مختلف سیاسی ایجاد شده بودند که من با رفتار آن‌ها موافق نبودم. بیشتر بچه‌های تئاتر جذب آن گروه‌ها شده بودند.

کارهای خاصی انجام می‌دادند و جذب سازمان‌های مختلف شده بودند. من نه به این نوع کارها علاقه داشتم، نه آن‌ها را قبول داشتم و نتیجه این شد که تئاتر را کنار گذاشتم و بعد هم فتم‌سرکار. در آموزش و پرورش استخدام شده بودم. تازه ازدواج کرده و درگیر کار و زندگی بودم ولی تجاری به تا پیش از آن در تئاتر به دست آورده بودم خیلی به دردم خورد. کسی که کارگردان می‌شود باید زمینه‌تئاتر داشته باشد. من خودم بازیگرانم را انتخاب می‌کردم و از آن‌ها تست می‌گرفتم. چون خودم قبلا تئاتر کار کرده بودم. الان خیلی‌ها هستند که بازیگرانشان را کسان دیگری انتخاب می‌کنند، چون شناختی از بازیگری ندارند و بازیگرها را نمی‌شناسند.

● از مهم‌ترین آثار شاخص شما سریال «کوی خاوران» است. این سریال در چه شرایطی ساخته شد و خودتان وجه تمایز این سریال با دیگر آثارتان را چه می‌دانید؟

این کار اولین سریال داستانی‌ام بود که تمام قسمت‌های آن براساس تحقیق نوشته شده بود.

موضوعش از سال ۵۶ و با جنبش اعتراضی زنان مشهد در روز زنان شروع می‌شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یافت. این سریال سال ۷۷ ساخته شد، زمانی که ۲۰ سالگی از انقلاب اسلامی گذشته بود و خیلی از مکان‌ها از بین رفته بود. من ترکیبی از گرافیک و فیلم‌های قدیمی را که در صداوسیما موجود بود در لابه‌لای سریال نشان می‌دادم ولی در بقیه این اثر داستان خودمان

پیش می‌رفت. تا آن موقع هیچ سریالی درباره انقلاب اسلامی مشهد ساخته نشده بود. بعدش هم کسی نساخت، چون بعد از جنگ همه به ساخت داستان و سریال با موضوع جنگ گرایش پیدا کرده بودند. یک سریال پانزده‌قسمتی هم سال ۸۴ درباره بازنشستگان فرهنگی به نام «فصل شکیبایی» کار کردم. سال ۸۴ فیلم‌برداری آن را شروع کردیم و سال بعد تمام شد. سال ۸۶ هم پخش شد.

● فیلم‌نامه هر دو اثر را رضا صابری نوشته بود. از قبل با هم آشنا بودید؟

البته طرح مال خودم بود و تحقیقات را هم شخص دیگری انجام داده بود. بله، از قدیم همدیگر را می‌شناختم و من طرح را به او دادم که فیلم‌نامه را بنویسد. در کوی خاوران کارگردان بودم و چون وسعت کار زیاد بود، تهیه‌کننده گرفتم. در فصل شکیبایی کارگردان، تهیه‌کننده و تدوینگر خودم بودم.

● کارهای دیگری داشتید. از میان آن‌ها کدام‌یک به نظرتان شاخص‌تر بود؟

بله. در فاصله بین این دو سریال، کارهای زیادی انجام دادم. شاید سیصد چهارصد کار انجام دادم. طبقه‌بندی صداوسیما از «الف، تادال»، است. کارهای «الف» کارهای خاص مانند سریال امام‌علی^(ع) است. کارهای «ب» سریال‌هایی در قطع کارهایی هستند که من انجام داده‌ام که می‌توانند اجتماعی،

موضوعی یا مناسبتی

باشند. کارهای

«جیم» برنامه‌های

ترکیبی مانند

جنگ‌ها هستند.

کارهای «دال» هم،

برنامه‌هایی‌مانند سخنرانی‌ها و میزگردها هستند. از



برنامه‌های شاخصم برنامه «نیستان» بود که سال ۸۰ کار کردم. یک برنامه قسمتی نوع «جیم» درباره فرهنگ و ادب خراسان بود که در هر قسمت به یکی از شهرهای خراسان می‌رفتم. از فردوسی و عطار و خیام شروع کردم تا رسیدیم به افراد معاصر مانند یغما و آخوان ثالث. ۲۰ دقیقه اول اشعار و زندگی‌نامه آن‌ها همراه با موسیقی و آوازخوانی از اشعارشان بود و بعد وارد آیت‌های دیگر می‌شدیم. به مجامع ادبی و هنری خراسان در همه شهرها سر می‌زدیم و همه گروه‌های ادبی استان را پوشش می‌دادیم. سری دوم آن هم قرار بود ساخته شود. ولی به‌این دلیل که من در برنامه‌ساز نشان می‌دادم و گفتند نامه آمده است که نباید ساز نشان بدهیم. گفتیم: «دیگر نمی‌سازم». آمدند آرم‌نامه را از من بگیرند که خودشان ادامه بدهند. گفتیم: نه، این را نمی‌توانید ادامه بدهید، بروید خودتان بسازید.

● برنامه‌های ترکیبی‌ای را که نوعی مجله تصویری فرهنگی و هنری بودند این سال‌ها کمتر می‌بینیم. ولی آن‌ها سال خیلی جدی گرفته می‌شدند.

نیستان برنامه ترکیبی‌ای بود که الان دیگر این‌طوری ساخته نمی‌شود. چون من دو سال درگیر آن بودم. دو سال زمان زیادی برای برنامه «جیم» است. کسی این کار را نمی‌کند. قبل از آن یک برنامه سرزمین خورشید کار می‌کردم که بعد از من اجازه گرفتند که اسم آن را برای برنامه‌های مستندی که درباره شهرهای خراسان ساخته می‌شود بگذارند. یک کار مستند برای شهرستان‌ها بود، همه اتفاقاتی که در شهرستان‌ها می‌افتاد از تاریخچه، آداب و رسوم و فرهنگ. در برنامه‌های «جیم» این‌طوری یک نفر را می‌آورد یک ربع صحبت می‌کند. ولی من این‌طور کار نکردم. در یک برنامه شصت دقیقه‌ای حداقل ۲۰ آیت‌م سه دقیقه‌ای داشتم. این خیلی سخت بود و خیلی هم طول می‌کشید. باید خیلی فعال می‌بودیم.

● الان وضعیت تولیدات صدا و سیما را چطور می‌بینید؟ باتوجه به مخاطب امروزی که خیلی نسبت به آن زمانی که شما کار می‌کردید فرق کرده‌است و در واقع خیلی سخت‌پسندتر شده‌است.

مشهد و به‌طور کلی شهرستان‌ها برنامه جدایی از تهران دارند. در اصل می‌شود گفت که برنامه‌های اصلی همه در تهران ساخته می‌شوند. مراکز شهرستان‌ها برای این ایجاد شده‌اند که بتوانند نمودی از شهر خودشان داشته باشند. در همین حد است و بیشتر از این به آن‌ها پهبایی داده نمی‌شود. حتی به کارهای مهم‌تر مثل سریال‌سازی هم در شهرستان‌ها بهایی داده نمی‌شود. این کارها خیلی کم انجام می‌شوند و هر کسی هم نمی‌تواند انجام بدهد. اگر هم کسی سراغ این‌چور کارها برود، مانند من که رفتم، باید خیلی شجاعت داشته باشد. خیلی‌ها ترجیح می‌دهند برنامه‌های «جیم» و «دال» بسازند. آن هم این‌طوری که در آستود یو جلوی یک نفر

میکروفونی بگذارند و او شروع کند به صحبت کردن.

● در آن سال‌ها که شما کار می‌کردید شبکه خراسان خیلی بیشتر از الان دیده می‌شد. سریال‌های بیشتری هم ساخته می‌شد. فکر می‌کنید چرا الان این تولیدات کمتر شده‌است؟ چند علت دارد. مدیریت یک بخش آن است. به‌نظر من بایدمدیران آشنا باشند و تحصیلات مرتبط با هنر داشته باشند. خیلی‌ها را داریم که نه تنها تحصیلات مرتبط ندارند که هیچ شناختی هم از کار هنری ندارند. طرف که با لیسانس پرستاری مدیر شده است، چه شناختی می‌خواهد داشته باشد؟ نه می‌داند نقاشی چیست. نه می‌داند تئاتر چیست و نه می‌داند اصلا هنر چیست. کسی می‌تواند در کار هنری مدیریت کند که قبلا کار هنری کرده باشد یا دست کم در حاشیه‌اش قدم زده باشد. بعضی‌ها حتی قدم هم نزده‌اند. یک بخش کار هم بوده‌جه است. در تهران اگر بودجه ساخت برنامه ۱۰۰ باشد برای شهرستان‌ها زیر ۱۰ هم نیست. با این بودجه‌ها کسی راغب نیست که بسازد و اگر هم بسازد، محتوای ضعیفی درمی‌آید.

● شما خودتان مگر در همین شرایط کار نکرده‌اید و سریال ساخته‌اید؟

آن زمان فرق داشت. فرقتش هم این بود که ما علاقه خیلی زیادی داشتیم. من خودم وقت زیادی می‌گذاشتم. من سر سریال‌ها روزی ۱۸ ساعت کار می‌کردم. چون

این کار را دوست داشتم. به نظر من مدیریت ضعیف، بودجه کم و مشکلات جنبی اکنون خیلی زیاد شده‌است. یک کارمند چقدر حقوق می‌گیرد؟ اصلا کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد. در کل گرایش مردم به تلویزیون کمتر شده‌است. در این شرایط برنامه‌ای اگر در ۱۰ دقیقه اول نظر بیننده را جلب کند، توانسته‌است او را جذب کند و گرنه می‌رود یک شبکه دیگر، حتی «لحظه‌ای» شده‌است. بیننده تلویزیونی را خیلی سخت می‌توانید به‌دست آورید. مگر اینکه حرفی برای گفتن داشته باشید.

● فرق آن زمان که شما می‌توانستید مخاطب را جذب کنید با الان چیست؟ فیلم‌سازها و سریال‌سازها حوصله ندارند یا به قول شما عاشق این کار نیستند یا مشکلات مالی که اشاره کردید تأثیرگذارند؟

هر دو. الان بیشتر فیلم‌سازها دنبال نان هستند. اصلا فکرش درگیر است. ما هم درگیری داشتیم ولی نه به اندازه حالا. ضمن اینکه به نظرم فیلم‌سازی که الان آمده‌اند خیلی تجربه این کار را ندارند. اینکه آثارشان در جذب مخاطب ناتوان است. برای این است که با اصول فیلم‌سازی و برنامه‌سازی آشنایی ندارند.

مجری اگر بیشتر از یک دقیقه صحبت کند آن برنامه از دست می‌رود، چون بیننده‌اش می‌رود شبکه دیگر. حالا می‌بینیم در برنامه‌مجری یک ربع صحبت می‌کند. من برخی از مواقع خودم به آن‌ها زنگ می‌زنم و به آن‌ها می‌گویم این چه نحوه کار است. مردم خسته می‌شوند. آیت‌های مختلف می‌خواهند. دوم اینکه اگر در جایی شادی نباشد، مخاطب جذب نمی‌شود. غم و اشک و آه در زندگی ما زیاد است. من اصلا موافق این مدل کارها نیستم.

● درمشهد چهره‌های مطرحی وجود دارند که در زمینه‌های مختلف هویت مشهد به شمار می‌آیند که در عرصه‌های تصویری خیلی به آن‌ها پرداخته نشده‌است. در صورتی که خیلی از آن‌ها در کشور و حتی دنیا مطرح هستند. چرا در صداوسیما کمتر در این باره برنامه تولید شده‌است؟

در صداوسیما چهره‌ها انتخاب می‌شوند. مثلا درباره دکتر شیخ برنامه‌ای ساخته شد ولی به نظر من خوب نبود. علتش این بود که شناخت کافی وجود نداشت و تحقیق نشده‌بود. من مبنای برنامه‌سازی را اول تحقیق خوب می‌دانم. من در برنامه نیستان شعرا و ادبای جدید و قدیم را با تحقیق ردیف کردم. کار بی‌تحقیق هیچ اثری بر جامعه ندارد. کوی خاوران ۲۰۰ صفحه



تحقیق داشت.

همه اتفاقات و رویدادهای آن یک سال را درآوریم، به نویسنده دادیم که براساس آن بنویسد. اما در صورت این نگاه وجود دارد که به خیلی از افراد نباید پرداخته شود تا شاخص نشوند. خیلی‌ا چهره‌ها فراموش شدند. درحالی‌که افراد تأثیرگذار در تاریخ خراسان زیاد داریم. خیلی اتفاقات در مشهد افتاده‌است. در تاریخ ایران بیشتر اتفاقات در خراسان افتاده‌است. علما، شعرا، ادبا بیشتر از خراسان بوده‌اند. این را هم فراموش نکنید که خیلی از برنامه‌ها به مراکز دیکته می‌شوند. در جمع مدیران - که تصمیم‌ها آنجا گرفته می‌شود- برنامه‌سازها حضور ندارند. وقت‌هایی هم دلشان می‌خواهد و تصمیم می‌گیرند. وقت‌هایی بودجه ندارند.

● هنرمندان از آزادی در مشهد داریم که کارهای خوبی در این حوزه ساخته‌اند. ولی آثارشان را کمتر در تلویزیون می‌بینیم.

آن‌ها که در بیرون هستند اگر فیلم‌ساز خوبی باشند، معمولا به خاطر بودجه با صداوسیما کار نمی‌کنند. اگر هم این کاره نباشند که نه تکنیک بلدند و نه محتوا می‌شناسند. حتی شاید عاشق سینه‌چاک سینما و تلویزیون باشند اما چون تحصیلات و تجربه ندارند و اصول برنامه‌سازی را نمی‌دانند، برنامه‌هایشان نمود ندارد.

● پس به نظر شما باید چه کار کرد که به چهره‌های هویتی مشهد و خراسان بیشتر پرداخته شود؟

تهران به مراکز بها نمی‌دهد. این اشکال باید رفع شود. کسانی که در مرکز هستند باید دغدغه‌مند و آگاه باشند. یکی از اصول اولیه برنامه‌ها باید تحقیق باشد که نیست. من گفتم برای ساده‌ترین برنامه‌ها تحقیق می‌کردم.

● شما اگر تصمیم گیر بودید، چگونه مدیریت می‌کردید؟

من سعی می‌کردم آدم‌هایی را که هستند بشناسم. به برنامه‌ساز تحصیل کرده ارجحیت می‌دادم. همان اول با آن‌ها که برنامه ساخته‌اند جلسه می‌گذاشتم. همچنین من آزادی عمل به سازنده می‌دادم. ناظر کیفی در کارهایی که می‌کردیم در همه مراحل نظر می‌داد. حتی زمانی که داشتیم فیلم‌برداری را شروع می‌کردیم و هنرپیشه دیالوگ‌ها را حفظ کرده بود و می‌خواست اجرا کند، می‌آمد تغییر می‌داد.

● کاری هست که دوست داشته‌اید انجام بدهید ولی فرصتش را پیدا نکرده‌اید؟

زیاد. یکی‌اش همین کاری است که شما می‌گویید: ساخت برنامه در باره مشاهیر مشهد و خراسان و آدم‌های مهمی که خیلی کارها کرده‌اند ولی متأسفانه به‌یوته فراموشی سپرده شده‌اند.

● چرا خیلی از این طرح‌ها را مستقل پیش نمی‌برید؟ شما که خودتان بر تهیه‌کنندگی هم اشراف دارید.

اول باید جایی باشد که کار را برای آنجا انجام بدهم. زمینه‌های اینکه بیرون کار کنیم نیست. سیستم‌طوری است که جذب نمی‌کند و بیشتر دفع می‌کند. از لحاظ جسمی هم آن انرژی گذشته را دیگر ندارم. از پاییز پارسال که کرونا گرفتم، متوجه شدم بیماری به نام کولون دارم که نوعی سرطان روده است. ضمن اینکه از آن دوران هم خوب ندیدم.

دماغ آدم می‌سوزد که خانه‌اش را بفروشد و خرج سریال کند. وقتی بازنشسته شدم به جای اینکه چیزی دستم بدهند، بده‌کارم هم کردند. با من خیلی بد تا کردند.

سال ۸۶ قبل از بازنشستگی سریال فصل شکیبایی را با دقیقه‌ای ۱۰۰ هزار تومان ساختم.

۷۵۰ دقیقه بود، ۷۵ میلیون تومان. خودم ۸۰ میلیون تومان برای آن فیلم خرج کردم. بعد که بردنش ارزیابی، ۵۰ میلیون تومان بهم دادند. من مجبور شدم خانه‌ام را بفروشم و ۳۰ میلیون تومان بگذارم تا چک‌هایی که داده بودم برگشت نخورند و به زندان نروم.

ایستگاه خبر

ماجرای فیلمی که رهبر معظم انقلاب از آن تقدیر کردند چیست؟



فیلم سینمایی «مستطیل قرمز» به کارگردانی حسن و حسین صیدخانسی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جدیدترین بیاناتشان از

آن نام بردند و تقدیر کردند چه فیلمی است و درباره آن چه می‌دانیم؟ به گزارش شهرآرا، رهبر معظم انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره شهدای ورزشکار و جمعی از مادران شهدای ورزشکار که در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ برگزار شده بود و صبح ۱۸ مهرماه در محل برگزاری این همایش در تهران منتشر شد. از فیلم سینمایی «مستطیل قرمز» نام بردند و از تولیدکنندگان این فیلم با موضوع شهادت جمعی از ورزشکاران و تماشاگران در جریان بمباران یک زمین فوتبال در استان ایلام در دوران دفاع مقدس تشکر و تأکید کردند: بیان حقایق، با آثار هنری کار لازمی است که باید با قوت انجام شود. فیلم سینمایی «مستطیل قرمز»، به تهیه‌کنندگی زنده‌یاد علیرضا سجادیور، به حادثه بمباران زمین فوتبال «چوار» ایلام در زمان جنگ ایران و عراق پرداخته است. این فیلم در سال ۹۷ رونمایی و اکران عمومی آن در سینماها، اواخر سال ۱۴۰۰ محقق شد. در این فیلم بازیگرانی چون محمود مقامی، اندیشه فولادوند، مهدی اسدی، جمشید جهان‌زاده، علی اوسپوند و شارل کوان فرانسوی ایفای نقش کرده‌اند.

اخبار هنری مشهد

رونمایی مستند «ردیه‌های تکفیر» در مشهد



هم‌زمان با گرامیداشت هفته وحدت، مراسم رونمایی و اکران مستند ردیه‌های تکفیر، به کارگردانی علیرضا باغشئی، تهیه‌شده در شبکه افق سیما و در قالب ویژه برنامه «برای وطن» در پردیس سینمایی هویزه برگزار خواهد شد. این

برنامه چهارشنبه، ۲۰ مهرماه، با حضور جمعی از علمای شیعه و اهل سنت کشور برگزار می‌شود.

نخست‌رضا کیانیان در جشنواره فیلم کوتاه



جمعی از سینماگران ایرانی و بین‌المللی به‌عنوان استادان نشست‌های تخصصی ۳۹-۲۰، سی و نهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران معرفی شدند. به گزارش شهرآرا به نقل از ستاد خبری این جشنواره، رضا کیانیان، بازیگر مشهور سینمای ایران، تجربه‌ها و دانش خود را در نشست تخصصی «پرسش از بازیگردان» با هنرجویان و علاقه‌مندان به سینما در میان می‌گذارد. از دیگر نشست‌های تخصصی می‌توان از، «خلافت در ژانر»، در حضور احمد الستی، «نور و فیلم‌برداری» با حضور محمود کلازی، «تجربه‌گرایی در ژانر» با حضور رسول صدرعاملی، «کارگردانی» با حضور احمدرضا درویش، «فیلم‌نامه» با حضور بهروز افخمی و «موسیقی» با حضور فردین خلعتبری نام برد که در سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران برگزار می‌شوند.

فیلم «هم‌آهنگ» جلوی دوربین بهروز شعبی



بهروز شعبی، فیلم‌ساز مشهور سینمای کشور، به‌زودی درام اجتماعی «هم‌آهنگ»، را به تهیه‌کنندگی علی سرتیپی جلوی دوربین می‌برد. این فیلم نخستین همکاری شعبی و سرتیپی محسوب می‌شود که پس از دریافت پروانه ساخت،

احتمالا برای حضور در جشنواره فجر امسال جلوی دوربین خواهد رفت. شعبی سال گذشته فیلم «بدون قرار قبلی» را در ایران و آلمان جلوی دوربین برد. این فیلم در اکران تابستانه امسال حدود ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروخت.

بلیت سینما برای ۲ هفته نیمه بها شد



هم‌زمان با ایام ربیع‌الاول و مقارن با برگزاری جشن‌های «مهر سینمای ایران» سینماهای کشور به مدت دو هفته نیم بها شد. به گزارش شهرآرا، چهاردهمین جلسه شورای راهبردی اکران با حضور محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی، عصر روز گذشته ۱۸ مهرماه در سالن نمایش و جلسات شهید آوینی سازمان سینمایی برگزار شد. غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده مشهدی سینمای ایران، منوچهر شاهشواری، حبیب ایل‌بیگی، محمدقاسد اشرافی، علی سرتیپی، روح‌ا... سهرابی، هاشم‌میرزاخانی، محمدحسین جعفریان، محمدرضا فرجی، علیرضا اسماعیلی، محمد احمدی و یزدان عشیری از حاضران در این جلسه بودند. در این نشست مصوب شد برای تقویت چرخه اکران فیلم‌ها ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های تبلیغاتی تلویزیونی و تبلیغات شهری، همراه با جشن مهر سینمای ایران در استان‌ها و مناطق مختلف کشور، سینماها به صورت نیم‌بها پذیرای علاقه‌مندان باشند.